

پردیس احمدیه؛ بازیگر فیلم «سرکوب»:

جسارت پروانه را دوست دارم!

من از ۱۶-۱۵ سالگی بازی می‌کنم و چون خودم مدام از این کار فاصله می‌گرفتم فعالیت من منقطع بوده است. آخرین باری که از بازیگری فاصله گرفتم، بعد از فیلم «خفگی» فریدون جیرانی بود و بعد از آن فیلم یک سال و نیم کار نکردم. بعد از آن باز هم بستر کاری برای من مهیا بود و سه کار در یک سال انجام دادم و پیشنهادات خیلی زیادی داشتم، اما به این دلیل که گزیده کارم همکاری با مرتضی فرشباف، رضا گوران و رضا درمیشیان را پذیرفتم. به‌طور کل آن چه در مورد نسل جدید بازیگران ما زیاد شنیده می‌شود این است که برای ورود به سینما مشکلات زیادی دارند. تعداد زیادی از علاقه‌مندان در دانشگاه‌ها یا موسسات درس بازیگری می‌خوانند و واقعا می‌خواهند به این حرفه وارد شوند. این افراد گاهی برای به کار گرفته شدن پیشنهاداتی دریافت می‌کنند که خیلی غیرانسانی است و من اجازه ندارم به عنوان عضو کوچکی از سینما این مسئله را زیاد توضیح بدهم، اما این افراد هم سن و سال من هستند و واقعا جای چنین قشری در سینمای کشور خالی است. خیلی از علاقه‌مندان در حال تحصیل واقعا استعداد دارند و باید شرایط کار را برایشان فراهم کرد. در سن و سال من مگر چند بازیگر در سینمای کشور وجود دارد؟ چرا چهره جدید به این سیستم اضافه نمی‌شود؟ فیلمسازها برای پروژه‌های مختلف فراخوان می‌دهند، اما در نهایت به ما زنگ می‌زنند که قبلاً کار کرده‌ایم! انگار اطمینان وجود ندارد و نمی‌خواهند کسانی که پشت در مانده‌اند را وارد این کار کنند و به نظر من سخت‌گیری زیادی وجود دارد. نسل جدید نیاز به حمایت دارد و ورود افراد جدید ضرر ندارد و اتفاقاً باعث می‌شود سینما پربارتر می‌شود و برای یک نقش گزینه‌های تکراری انتخاب نمی‌کنیم. امروز همه نقش یک‌های ما را افراد ثابت بازی می‌کنند. شاید به نفع من باشد که بازیگر کم داریم و همه نقش‌ها را به خودمان پیشنهاد می‌دهند، اما اگر نگاه کلی‌تری داشته باشیم افراد دیگر هم به هدفشان می‌رسند. فعلاً از شرایط کاری ام راضی هستم، اما ترجیح این بوده که سالی یک نقش بازی کنم و فواصلی بین تجربه‌هایم وجود داشته باشد. بازیگر دوست دارد نقش خوب بازی کند و نقش اول برای من اهمیتی ندارد و دوست دارم فیلم‌هایی مثل آثار درمیشیان، گوران و... بازی کنم. این کارها خیلی اخلاق و دل‌پشت‌شان است و وقتی کاری اخلاقی شکل می‌گیرد به نظر من نتیجه‌اش مطلوب می‌شود و بازیگر هم هیچ‌وقت از تصمیمش پشیمان نمی‌شود. نسل ما و نسلی که شخصیت «پروانه» در آن شکل گرفته جسور است و با توجه به زندگی در جامعه و دیدن دخترها و پسرهای این نسل متوجه شده‌ام که نسبت به دهه ۵۰ و ۶۰ نسل ما خیلی مستقل‌تر عمل می‌کنند و اگر چیزی باب میلش نباشد کوله را برمی‌دارد و به هر جایی می‌خواهد می‌رود. «پروانه» هم همین کار را می‌کند و تصمیم می‌گیرد به خارج از کشور برود و برایش مهم نیست دوست پسرش او را همراهی می‌کند یا نه. او به هر حال کاری را که فکر می‌کند درست است انجام می‌دهد! خواهران بزرگ‌تر «پروانه» هنوز در گیر عشق‌های اشتباه و تصمیم‌گیری‌هایی از روی ترس هستند. نسل ما با گذشته فرق کرده و فکر می‌کنم این تفاوت در فیلم مشهود است.

اما درباره کارگردان باید بگویم که رضا گوران خیلی بر کاراکترهای زن فیلم مسلط بود و دقیقاً می‌دانست باید چه کار کند. شاید شناخت رضا گوران نسبت به زن‌ها از روی جهان‌بینی شخصی او باشد. کارگردان در هر صورت باید شخصیت‌شناسی را خوب بلد باشد تا بتواند کاراکترهای این چنینی را طراحی کند و در نقطه درستی بازی مورد نظرش را از شخصیت دریافت کند. اصولاً بازیگرها در طی کار با کارگردان تعامل دارند و در رسیدن به نقش از او کمک می‌گیرند. کاراکتر «پروانه» خیلی پیچیده و سخت بود و وجوه شخصیتی گوناگونی در او می‌بینیم. او گاهی مهربان است، گاهی پرخاشگری می‌کند و مستقل است و من تلاش می‌کردم با تمام این وجوه در نهایت به چیزی برسم که کارگردان می‌خواهد. شخصیت «پروانه» آنقدر لایه‌های مختلفی داشت که من فکر می‌کردم جز کسی که این فیلمنامه را نوشته فرد دیگری نمی‌تواند بازیگر این نقش را در رسیدن به هدف کمک کند. من صفر تا صد را به رضا گوران سپردم و سعی کردم به آن چه او از «پروانه» در ذهن داشت نزدیک شوم.

